

## گفتمان روانکاوی در ترجمه یا ترجمه روانکاوی

دکتر مهران زنده بودی

(استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)

### چکیده

ترجمه شناسی، رشته‌ای است نوپا که قدمت آن به عنوان علمی مستقل یا رشته‌ای دانشگاهی، از چند دهه نمی‌گذرد. ترجمه شناسی با رشته‌های مختلف، به ویژه علوم انسانی (زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و...) رابطه دارد و بخشی از مفاهیم و روش خود را از آنها به عاریت می‌گیرد. از جمله علومی که می‌تواند با ترجمه شناسی رابطه تنگاتنگی داشته باشد، روانکاوی است. تاکنون برخی پژوهش‌ها به طور پراکنده به این مقوله پرداخته‌اند، اما در آغاز راه هستند و هنوز گستره چندانی نیافته‌اند. در مقاله حاضر به برخی روابط و جنبه‌های مشترک میان موضوع علم ترجمه شناسی (ترجمه) با روانکاوی می‌پردازیم. پس از آن که جایگاه روانکاوی ترجمه را در گفتارهای ترجمه‌شناختی بررسی کردیم، به رابطه بنیانگذار روانکاوی، فروید، و ترجمه خواهیم پرداخت. نگاهی نیز خواهیم انداخت به ترجمه رؤیا و در پایان به مسأله رنج و لذت در ترجمه نیز اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: روانکاوی، ترجمه، فروید، ترجمه شناسی، لد میرال.

### ۱- مقدمه

برای بسیاری از مترجمین، جای شگفتی است اگر بخواهیم روانکاوی را به ترجمه مربوط سازیم. مقصود مترجمینی هستند که از دیدگاه شان ترجمه تنها کنشی است فنی که عبارت است از انتقال دادن پیامی از زبانی به زبان دیگر (از زبان مبدأ به زبان مقصد). اما شماری از روانکاوان نیز هستند که شگفتی شان از این مقایسه، که نا به جا نیز می‌دانند، کمتر نیست. شاید برای این دو دسته، جدا از گذار از نظامی به نظام دیگر، با قبول از دست دادن چیزی در این

مسیر (دال زبانی در ترجمه، علائم بیماری در روانکاوی)، نتوان به راحتی روانکاوی را به ترجمه نزدیک کرد. شکی نیست که از همان بدو ظهور روانکاوی و اولین نوشته‌های فروید «رابطه‌ای نزدیک بین ترجمه و هدف روانکاوی که ترجمه ضمیر ناخودآگاه است، شکل گرفت» (لاپلانچ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲، ص ۳۱۵). ترجمه آن چیزی است که در درمان از طریق روانکاوی رخ می‌دهد و مفاهیم اساسی این علم، به ویژه تأویل<sup>۲</sup> و انتقال<sup>۳</sup> با آن رابطه نزدیکی دارند. ژان-رنه لدمیرال<sup>۴</sup> معتقد است: «مترجم خواننده‌ای ممتاز است» (لدمیرال، ۱۹۸۸، ص ۴۱). ژاک دریدا<sup>۵</sup> نیز مترجمین را بهترین خوانندگان می‌داند (دریدا، ۱۹۹۸، ص ۲۵۱). در زمینه ارتباط ترجمه و روانکاوی برخی از نظریه پردازان روانکاوی تا بدانجا پیش رفته‌اند که می‌گویند: «هیچ نظریه روانکاوی بدون امکان آن که بتوانیم چیزی را در چیز دیگری ترجمه کنیم، وجود ندارد» (ماوریکاکیس<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸، ص ۷۶).

تفکر بر ترجمه متون روانکاوی، به ویژه آثار زیگموند فروید<sup>۷</sup> همچنین رویکرد روانکاوی به کنش ترجمه از حوزه‌های پژوهشی‌ای است که چند وقتی است در آن، کارهایی صورت می‌پذیرد، اما این پژوهش‌ها اغلب یا پراکنده‌اند و یا گستره چندانی نیافته است. تحقیقات در حوزه روانکاوی ترجمه در کدام گفتار از ترجمه شناسی جای می‌گیرد؟

## ۲- چهار عصر ترجمه شناسی

ژان-رنه لدمیرال گفتارها در باب ترجمه را به چهار دسته یا به تعبیر وی چهار عصر<sup>۸</sup> تقسیم می‌کند، که عبارتند از:

- ۱- Jean Laplanche
- ۲- Interprétation
- ۳- Transfert
- ۴- Jean-René Ladmiral
- ۵- Jacques Derrida
- ۶- Mavrikakis
- ۷- Sigmund Freud
- ۸- Quatre âges

۱-۲: ترجمه شناسی تجویزی<sup>۱</sup>

این ترجمه شناسی، گونه‌ای گفتار اولیه بر ترجمه است که مانند دستور زبان، که بعدها زبان‌شناسی شد، ابتدا تجویزی است سپس به سوی توصیفی شدن گام برمی‌دارد. در زیر این عنوان می‌توان اسامی کسانی همچون والتر بنیامین<sup>۲</sup>، هانری مشونیک<sup>۳</sup>، والر لاریبو<sup>۴</sup>، ژرژ اشتاینر<sup>۵</sup> و... را قرار داد که بیشتر دارای مشربی ادبی یا فلسفی هستند. اما لدمیرال آثار رایج تری نظیر کتاب‌های آموزش ترجمه، یادداشت‌های مترجمین و غیره را نیز در این گروه قرار می‌دهد (زنده بودی، ۲۰۰۸، صص ۴۲-۴۳).

۲-۲: ترجمه شناسی توصیفی<sup>۶</sup>

بخش مهمی از آثار به چاپ رسیده درباره ترجمه و آن چه که در پنج دهه اخیر به چاپ رسیده است، «ترجمه شناسی توصیفی» است. این ترجمه شناسی ادعای حرکت به سوی علمی تمام عیار دارد که سعی در توصیف علمی پدیده ترجمه می‌کند. لدمیرال این گفتار را به گونه‌ای به زبان‌شناسی کاربردی<sup>۷</sup> نیز نزدیک می‌داند. ویژگی چنین گفتاری در باب ترجمه، این است که به توصیف پدیده ترجمه از روی ترجمه‌های انجام شده می‌پردازد (لدمیرال، ۱۹۸۷، ص ۲۰). این ترجمه شناسی جایگاه خود را پس از کنش ترجمه می‌بیند و ترجمه را به منزله محصول و کار انجام شده شرح می‌دهد. بیشتر این پژوهش‌ها بر پایه مقایسه بین زبان‌ها

۱- Traductologie prescriptive

۲- Walter Benjamin

۳- Henri Meschonnic

۴- Valery Larbaud

۵- George Steiner

۶- Traductologie descriptive

۷- Linguistique appliquée

استوار است. در میان این طیف از کارها می‌توان از ژان-پل وینه<sup>۱</sup>، ژان داربلنه<sup>۲</sup>، ژاکلین گیلمن فلشر<sup>۳</sup>، میشل بالارد<sup>۴</sup>، ژرژ مونین<sup>۵</sup> و غیره نام برد (زنده بودی، ۲۰۰۸، صص ۴۴-۴۵).

### ۲-۳: ترجمه شناسی مولد<sup>۶</sup>

هم و غمّ ترجمه شناسی مولد، تدوین گفتاری علمی بر ترجمه به عنوان محصول<sup>۷</sup> نیست. هدف از این ترجمه شناسی ارائه گفتاری است که بتواند مجموعه مفاهیم و اصولی را که قادر باشند مترجم را در کنش ترجمه بر دشواری‌ها غلبه دهند، به وی عرضه کند (همان، ص ۴۶). بخش اعظمی از این گفتار روانکاوی ترجمه است. مترجم مانند هر انسان دیگری دارای ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی و روانی خاصی است که شناخت آنها به ترجمه شناس کمک می‌کند تا ابزار مفهومی لازم را جهت غلبه بر دشواری‌هایی که فرارویش قرار می‌گیرد، به او بدهد. ترجمه دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند علائم بیماری‌هایی نظیر افسردگی، استرس، بی‌خوابی و ... را در مترجم ایجاد کند. مترجم برای ترجمه یک متن کوتاه، چند صفحه رمان یا چند بیت شعر، باید معنای دقیق را برساند، امانت در ترجمه را رعایت کند، ظرافت‌های سبک نویسنده متن مبدأ را باز آفرینی کند، حال و هوای بومی متن را انتقال دهد و در عین حال، متن را برای خواننده ترجمه قابل فهم کند، تفاوت‌های فرهنگی را در نظر بگیرد، وزن را باز آفرینی کند، قافیه بسازد، قالب‌های شعری منطبق با هم پیدا کند، آرایه‌های لفظی و معنوی را باز آفرینی کند و ... حال در نظر بگیرید مترجم بخواهد یک رمان ۳۰۰ صفحه‌ای یا یک مجموعه شعر ترجمه کند. آن گاه تمام این مشکلات، ده‌ها برابر سدّ راه مترجم می‌شوند و اگر نگوئیم او را از حرکت متوقف می‌کنند، دست کم می‌توان گفت که علاوه بر موانع زبان‌شناختی، موانع روانی فراوانی حرکت او را با دشواری مواجه می‌گردانند. نقش گفتار

۱- Jean-Paul Vinay

۲- Jean Darbelnet

۳- Jacqueline Guillemin Flescher

۴- Michel Ballard

۵- Georges Mounin

۶- Traductologie productive

۷- Produit

ترجمه شناسی مولد و روانکاوی این است که فضایی ایجاد شود تا این نوع مشکلات بازگو شود (هم چون جلسات درمان روانکاوی که مشکلات شخص مراجعه کننده در فضایی مناسب بازگو می‌شود و نفس بازگرددن ناراحتی‌های روحی، خود گام بزرگی در درمان است). این امر در آموزش مترجمین نقش مهمی ایفا می‌کند. گفتار روانکاوی در باب ترجمه هنوز پیشرفت چندانی نکرده است، اما لدمیرال با نگارش کتابی (لدمیرال، ۲۰۰۲) در چارچوب گفتار ترجمه شناسی مولد، نقش مهمی در توسعه آن در فرانسه ایجاد کرد.

#### ۲-۴: ترجمه شناسی علمی<sup>۱</sup>

چهارمین و آخرین گفتار در حوزه ترجمه شناسی از دیدگاه ژان-رنه لدمیرال، ترجمه شناسی علمی است. این گفتار ترجمه شناسی نیز که هنوز پیشرفت زیادی در آن زمینه صورت نگرفته، نظر به آینده دارد و لدمیرال آن را «ترجمه شناسی فردا» می‌داند. یکی از اهداف مهم آن، عبارت است از درک فعالیت‌هایی که به هنگام ترجمه در مغز مترجم رخ می‌دهد. در این زمینه، همکاری عصب شناسان، ترجمه شناسان و مترجمین لازم جلوه می‌کند. این امکان برای بررسی فرایندهای ذهنی مترجم کنفرانس هم زمان<sup>۳</sup> عملی تر می‌باشد (لدمیرال، ۱۹۸۹، ص ۱۹۳). از نکاتی که ترجمه شناسی علمی می‌تواند در باب آن مطالعه و پژوهش کند، قابلیت‌های روانی-جسمی مترجم است. برخی از آنها عبارتند از:

- حافظه
- قدرت توجه
- استدلال منطقی
- خلاقیت
- کنجکاوای ذهنی

۱- Traductologie scientifique

۲- La traductologie de demain

۳- Interprète simultané

- تلاش
- جدیت
- ذهنیت انتقادی
- اعتماد به نفس
- سرعت انتقال

### ۳- ترجمه روانکاوی

بی آن که بخواهیم فهرستی کلی از کارهای انجام شده در حوزه مطالعات آثار فروید ارائه دهیم، گذشتن از کنار برخی وقایع مهم در این زمینه غیر ممکن جلوه می‌کند. یکی از این وقایع مهم، بازترجمه آثار فروید به زبان فرانسه است.<sup>۱</sup> این طرح در سال ۱۹۸۰ ارائه شد و در خلال آن، چندین کتاب از فروید به زبان فرانسه ترجمه گشت. حدود بیست اثر فروید به زبان فرانسه ترجمه شد. واکنش‌ها درباره این امر متفاوت بود و برخی به طور کلی با شیوه بازترجمه آثار فروید در چارچوب گروه ژان لاپلانز مخالف بودند. این گروه، بسیاری از واژگانی را که بیش از پنجاه سال در حوزه روانکاوی رایج بود، حذف کردند و به جای آن واژه‌های جدید خلق کردند یا از واژه‌های دیگر زبان فرانسه استفاده نمودند؛ امری که با انتقادهای فراوان مواجه گشت. رویکرد نظری آنها در ترجمه نیز لفظ‌گرایی بود به نحوی که می‌خواستند حتی نظم واژگان زبان مبدأ را دستخوش چندان تغییری نکنند.

دشواری ترجمه آثار فروید تنها به زبان او، که به عقیده متخصصین زبان آلمانی زبانی کاملاً کلاسیک است و نثر روانی داشت، باز نمی‌گردد. مسأله دشواری ترجمه آثار او باز می‌گردد به این که فروید برای گفتن حرف‌های جدید، برای این که علم جدیدش را مطرح کند، بین دو مورد حق انتخاب داشت: یکی آمیختن گفتارش با واژه‌های جدید، در نتیجه پیچیده و غیر قابل فهم کردن آن (یا لاف‌ل قابل دسترس کردن آن تنها برای متخصصین)؛ و دیگری باید این خطر را می‌پذیرفت و مسائل کاملاً جدید را با مفاهیم رایج که در جاهای دیگر نیز از آنها استفاده

۱- Oeuvres Complètes de Freud en Psychanalyse

شده، نظیر فلسفه و علوم مختلف، که در عین حال با روانکاوی فاصله نیز دارند، بیان کند. این زبان، برای خوانندگان تحصیل کرده دوره خودش قابل فهم می‌بود، اما این احتمال نیز وجود داشت که نوعی ابهامات معناشناختی و سوء تفاهم نیز به دنبال داشته باشد.

انتخابی که صورت پذیرفت، مورد دوم بود. از این روی بی وقفه به مفاهیم یادشده رجوع می‌کرد و به نوعی آنها را «ترجمه» یکدیگر می‌نامید (بروئر، فروید، ۱۹۸۵، ص ۱۲۴).

هرچند که ترجمه آثار کامل فروید در فرانسه بسیار چالش برانگیز شد، ترجمه آنها در زبان‌های دیگر به صورت کامل پیش از ترجمه فرانسه آنها انجام شده بود. در زبان انگلیسی ترجمه معروف استراچری<sup>۱</sup> وجود دارد. در زبان اسپانیولی چهار ویرایش مختلف آثار فروید منتشر گردیده است که یکی از آنها زیر نظر خوزه اورتگا ایگاسه<sup>۲</sup> آغاز شد و توسط لوییز لویز بالتروس<sup>۳</sup> ادامه یافت. در زبان ایتالیایی طرحی بود که زیر نظر سزاره موساتی<sup>۴</sup> انجام پذیرفت. در زبان پرتغالی مجموعه آثار فروید در برزیل منتشر شد. این لیست می‌تواند مفصل تر باشد و چند زبان دیگر را نیز در بر می‌گیرد.

حضور فروید در زمینه ترجمه را نمی‌توان به مترجم بودن او محدود کرد. ژان لاپلان

می‌نویسد:

«مسائل نظری و عملی ترجمه، بسیار وسیع و جهانی هستند و به زمان پیدایش تمدن انسانی باز می‌گردد. مسلماً فلسفه ترجمه یکی از جنبه‌های جذاب تفکر انسانی را دربرمی‌گیرد. به پندار من، فروید در این زمینه نقش مؤثری دارد. این امر فقط به کنش ترجمه‌اش که قابل انتقاد نیز هست، مربوط نمی‌گردد، بلکه آن را باید در حوزه نظری یافت، به عنوان مثال در نامه‌ای که به تاریخ هشتم دسامبر ۱۸۸۶ باز می‌گردد، دستگاه روانی را به مجموعه‌ای از علائم متناوب شبیه می‌داند که هرکدام

۱- Strachery

۲- José Ortega Y Gasset

۳- Luis Lopez Ballesteros

۴- Cesare Musatti

از آنها علائم پیشین را به زبانی دیگر ترجمه و فرایند واپس زدگی<sup>۱</sup> را به امتناع ترجمه مربوط می‌کند.» (لاپلانز، ۱۹۹۲، ص ۳۲۴).

به زعم ژان لاپلانز، شکل گرفتن ضمیر ناخودآگاه و فرایندهای روانی بعدی آن می‌تواند به کمک فرایند ترجمه درک شوند. البته او تأکید می‌کند که تنها جنبه‌های زبان شناختی ترجمه مهم نیست.

فروید این مثل معروف ایتالیایی را که به حد اشباع تکرار شده است، بارها ذکر می‌کند: Traduttore traditore<sup>۲</sup>. او می‌نویسد: «مثال مناسبی از واژه‌های ذهنی وجود دارد و آن هم Traduttore traditore شگفت‌انگیز است. شباهت دو واژه که تقریباً آنها را یکی جلوه می‌دهد، گویی چنین اقتضا می‌کند که مترجم باید خیانت کند» (فروید، ۱۹۸۸، ص ۸۶).

فروید حدود صد و پنجاه صفحه بعد مجدداً به این مثل اشاره می‌کند: «بین واژگان (Traduttore traditore) رابطه‌ای درونی وجود دارد. در واقع، مترجم نامی شبیه به خائن نیست. ترجمه در بسیاری از اوقات خود خیانت است. انتخاب این واژه کاملاً به جا و مناسب است» (فروید، ۱۹۸۸، ص ۲۲۸).

علاوه بر بازی با کلماتی که در این مثل وجود دارد، تفاسیر دیگری نیز می‌توان از آن داشت. اگر مترجم خائن است، فارغ از قضاوت ارزشی نسبت به خائنین، شاید رازی را افشا می‌کند. در واقع، ما به هنگام ترجمه با افشای راز نیز رو به رو هستیم. بار معنایی ضمنی تحقیرآمیز رایج واژه «خیانت» در این معنا که خیانت کار مرتکب گناه و اشتباه بزرگ می‌شود، باعث می‌شود فراموش کنیم که حداقل در زبان فرانسه *Trahir* به معنای «افشای راز» نیز است. به عنوان مثال، شخصی اشک‌هایش باعث افشای سرّ درونش می‌گردد. «*Trahison*» الزاماً همواره خطا نیست. در مثالی دیگر: «انسان‌ها دلمشغولی‌های ناخودآگاه شان را از طریق اشتباه لفظی یا حرکات غیر ارادی افشا می‌کنند.» شاید در این معناست که فروید مثل بالا را به کار می‌برد. بنابراین می‌توان در مقابل «مترجم، خائن است»، مترجم، آشکارکننده است را گذاشت.

۱- Refoulement

۲- مترجم، خائن است.



تحقیقات انجام شده در گروه تشکیل شده حول محور ژان لاپلانز ثابت می‌کند فروید علاقه وافری به ترجمه و نشر آثارش نشان می‌داد؛ هرچند که این امر به خاطر کثرت زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف بسیار دشوار جلوه می‌کند. در واقع، مسائل مربوط به ترجمه آثار فروید برای مترجمین، روانکاوان و حتی خود نویسنده نیز متفاوت است. اما اهمیت «ترجمه روانکاوی» چیست؟ ادموند کاری می‌نویسد: «یک بار دیگر به این تناقض که حقیقت اولیه ترجمه را تشکیل می‌دهد، می‌رسیم. ترجمه در حوزه‌های مختلف محقق می‌گردد. ترجمه شعر پیش از هر چیز مسأله شعر است، ترجمه ادبی پیش از هر چیز مسأله ادبیات است، دوبلاژ فیلم‌ها مسأله سینماست و...» (کاری، ۱۹۸۶، ص ۷۱). در می‌یابیم که ترجمه روانکاوی موضوع علم روانکاوی است. با وجود این، لاپلانز معتقد است متون روانکاوی را باید مانند متون علمی-فنی ترجمه کرد (لاپلانز، ۱۹۷۲، ص ۳۰۹).

#### ۴- ترجمه و مفهوم رؤیا

نمود ترجمه را، که یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم روانکاوی فروید است، می‌توان در رؤیا و دیگر حالت‌های روانی نظیر گذار از ناخودآگاه به خودآگاه دید. موضوع ترجمه و روابط آن با رؤیا موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ترجمه‌شناسان و روانکاوان قرار گیرد و مطالعات میان رشته‌ای را در مورد آن انجام داد. از دیدگاه فروید، مرزهای ناخودآگاه را باید روانکاو و همچنین بیمار «ترجمه» کنند. پرسش‌های فراوانی مطرح می‌گردد: رابطه میان تعبیر نمادین رؤیا و ترجمه نمادها چیست؟ روابط میان کنش ترجمه و رؤیا کدام است؟ رابطه زبان رؤیا و حتی زبان نمادین رؤیا و ترجمه این زبان چیست؟ همچنین، روانکاو، بیمار و مترجم که هستند؟ پرسش مهم دیگر این که رابطه تعبیر رؤیا و ترجمه بینابانی<sup>۱</sup> چیست (چرا که ممکن است در تداعی‌ها، بیمار کلماتی را به زبان خارجی به کار برد یا روانکاو از این گونه کلمات استفاده کند)؟ فروید دو اصطلاح را در زمینه رؤیا به

۱- Traduction interlinguistique

کار می‌برد: ۱- رؤیا می‌تواند در تمامیت اش ترجمه شود؛ ۲- ترجمه‌ای جزئی از رؤیا وجود دارد. به عنوان مثال می‌گوید: «می‌توان این رؤیا را بدون هیچ گونه مشکلی ترجمه کرد» (فروید، ۱۹۷۱، ص ۱۱۷). نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان ذکر کرد. آن چه که از این مثال‌ها درباره ترجمه رؤیا نزد فروید می‌توان برداشت کرد، این است که رؤیا شبیه زبان است. فروید در مورد یکی از بیمارانش به نام دورا<sup>۱</sup> می‌نویسد: «زبان رؤیا را توانستم به شیوه‌ای نزدیک به اندیشه خودمان ترجمه کنم» (فروید، ۱۹۹۲، ص ۷).

ارزش این کلمات، زمانی که فروید از ترجمه رؤیا و یا از تعبیر و تحلیل آن سخن می‌گوید، چیست؟ آیا فروید از ترجمه و تعبیر کردن یک چیز برداشت می‌کند؟ می‌توان تصور کرد که فروید از واژگان تعبیر و ترجمه به عنوان معادل استفاده می‌کند، اما اگر واژه ترجمه چیزی به معنای قبلی اضافه نمی‌کند، چرا آن را به کار می‌برد؟ باید توجه داشت که فروید ابتدا از هنر تعبیر استفاده می‌کند، سپس از کار تعبیر و در آخر از فن تعبیر و ترجمه. بنابراین ما از «هنر» به «کار» سپس به «فن» گذر می‌کنیم. آیا فروید زمانی که از مفهوم تعبیر به سوی ترجمه حرکت می‌کند، در جهت تصریح و دقیق‌تر گفتن گام بر می‌دارد؟

فروید در متن دیگری هر دو واژه مورد بحث را مجدداً به عنوان معادل به کار می‌برد، دقیقاً مانند ترجمه‌ای درون زبانی؛<sup>۲</sup> امری که می‌تواند به این معنا باشد که او واقعاً به دنبال جدا کردن ترجمه رؤیا از تعبیر رؤیا نبوده است: «یکی از مسائلی که اغلب برای ما مطرح می‌گردد، تعبیر رؤیاست؛ یعنی ترجمه محتوای رؤیا که تلاش می‌کنیم به معنای پنهان آن پی ببریم» (فروید، ۱۹۸۹، ص ۵۴).

بخش‌های دیگری نیز وجود دارد که فروید باز هم تعبیر را در کنار ترجمه قرار می‌دهد. او می‌نویسد: «تعبیر رؤیا عبارت است از ترجمه محتوای آشکار رؤیا به افکار پنهان» (فروید، ۱۹۹۴، ص ۲۰۳). در اینجا از محتوای آشکار به افکار پنهان پشت رؤیا می‌گذریم. مسئله مهم این است که علاوه بر این که تعبیر می‌تواند ترجمه نامیده شود، رؤیا و شکل‌گیری آن نیز

۱- Dora

۲- Traduction intralinguistique

می‌توانند به منزله ترجمه تلقی شوند. با وجود این فروید بیشتر تصریح می‌کند که چگونه ترجمه و تعبیر رؤیا از هم مشخص می‌گردند: «تعبیر رؤیا به دو مرحله تقسیم می‌گردد: ترجمه و بررسی و بهره برداری از رؤیا» (فروید، ۱۹۸۸، ص ۱۷۰).

این نقل قول نشان می‌دهد که ترجمه رؤیا بخشی از تعبیرات، یا در هر صورت، بخشی از کاربرد رؤیا در درمان است. گفته شد که ترجمه رؤیا محتوای پنهان آن را نشان می‌دهد. فروید این را به طور دقیق‌تر بیان می‌کند: «رؤیا و محتوای آن به عنوان دو شرح از وقایعی یکسان به دو زبان متفاوت است» (فروید، ۱۹۷۱، ص ۲۴۱).

کار تحلیل<sup>۱</sup> کار ترجمه است. نکته مهم آن است که فروید روند معکوس را نیز مطرح می‌کند؛ بدین ترتیب که کار رؤیا و شکل‌گیری آن از قبل به شیوه ترجمه انجام می‌گردد.

#### ۵- ماجرای آنا<sup>۲</sup>

ماجرای آنا<sup>۳</sup> برای نشان دادن رابطه میان روانکاوی و ترجمه بسیار معنادار است. آنا دچار آب‌هراسی<sup>۴</sup> مفرط شده بود و علائم بالینی دیگری نیز نظیر لوچی، اختلالات دید، فلج قسمت بالای راست بدن و کاهش قدرت ماهیچه‌های گردن داشت. او به هیچ وجه آب نمی‌خورد و برای رفع عطش از میوه، خربزه و غیره استفاده می‌کرد. ابتدا فروید نبود که آثار درمانی سخن گفتن را کشف کرد، بلکه آنا و پزشک معالج اش ژوزف بروئر<sup>۵</sup> سبب آن گشتند. آن چه که فروید انجام داد، بنیان نهادن روانکاوی بر اساس این کشف است. در فهرست ناراحتی‌های آنا، هیستری<sup>۶</sup> نیز وجود داشت که با تکیه بر هیپنوتیزم آن را درمان می‌کردند. هیپنوتیزم باعث می‌شود بیماران حوادث فراموش شده مرتبط با بیماری شان را به یاد بیاورند. این امر ارزش

۱- Analyse

۲- Anna

۳- مثال آنا را از مقاله زیر الهام گرفته ایم. برای اطلاعات دقیق‌تر، ر.ک.

François Peraldi, "Psychoanalyse et traduction", in *Meta*, vol. ۲۷, n°۱, ۱۹۸۲, pp ۹-۲۵.

۴- Hydrophobie

۵- Joseph Breuer

۶- Hystérie

فراوانی برای پزشکان داشت. آنا تحت هیپنوتیزم بیان کرد در حالی که دچار آب هراسی بوده، یک روز خدمتکارش، زنی انگلیسی را، که به هیچ وجه دوست نمی داشت، در اتاق دیده که دارد به سگ زشت و کثیفش در لیوان آب می دهد. آنا از روی ادب چیزی به او نگفت. بروئر می گوید پس از این که خشمش را به شدت بروز داد، بلافاصله آب درخواست کرد و مقدار زیادی آب خورد و پس از آن نیز دیگر علائم آب هراسی در او بروز نکرد (ر.ک. بروئر و فروید، ۱۹۸۵).

این مثال نشان می دهد که:

الف) کار تحلیل ابتدا مانند آن چیزی است که رومان یاکوبسون<sup>۱</sup> ترجمه بینانسانهای<sup>۲</sup> می نامد؛ یعنی تغییر نشانه های زبانی (روایت صحنه سگ کثیف خدمتکار و انزجار آنا) به وسیله نشانه های غیر زبانی (در اینجا آب هراسی، نفرت از هر چه مایع است و غیر ممکن بودن نوشیدن). کار تحلیل به منزله ترجمه ای در جهت مخالف صورت می پذیرد؛ یعنی ترجمه دوباره، بازگشت به نشانه های زبانی خاطره.

ب) اهمیت نظام های نشانه شناختی به ویژه نشانه های زبانی به عنوان سازنده و شکل دهنده هر نوع رابطه بیناذهنی<sup>۳</sup>.

ج) فرایندهای زبانی (از جمله هر نوع ترجمه) تبادل ساده اطلاعات ضمیر ناخودآگاه نیست، بلکه آنها پدیده های واپس زدگی، مقاومت و غیره را نیز نشان می دهند (لازم شد که آنا تحت هیپنوتیزم قرار گیرد تا خاطره واپس زده را به یاد بیاورد).

## ۶- رنج و لذت

یکی از مسائلی که روانکاوی ترجمه می تواند بدان بپردازد، بررسی حالت های روانی رنج و لذت است. ترجمه پیش از هر چیز «کنش» است و مانند بیشتر کنش ها لذت و رنج به همراه دارد. در زیر به برخی از موارد لذت و رنج مترجم می پردازیم. روانکاوی ترجمه می تواند با

۱- Roman Jakobson

۲- Traduction intersémiotique

۳- Intersubjective

همکاری نظریه پردازان ترجمه، روانکاوان و مترجمین به بررسی این دو حالت روانی بپردازد. بی شک این مطالعات میان رشته‌ای نمی‌توانند بر لذت مترجم بیفزایند و یا از رنج مخصوص به این کار بکاهند، اما دست کم می‌توانند سبب گردند که مترجم به خودآگاهی برسد و در لحظات دشوار به تصمیم‌گیری صحیح بپردازد. در زیر به ترتیب به برخی از موارد مربوط به لذت و رنج در ترجمه اشاره می‌کنیم. این موارد خود می‌توانند موضوع پژوهش‌هایی مستقل گردند.

#### ۱-۶: لذت

در ترجمه کردن، لذت وجود دارد. ترجمه، دشوار است و در عین حال لذت‌بخش است. بر دشواری‌ها نیز در آن وجود دارد. زمانی که مترجم مشغول ترجمه است و ناگهان به طور پیش‌بینی نشده‌ای جمله یا عبارت شگفت‌انگیزی به ذهنش خطور می‌کند، لذت بی‌پایانی به او دست می‌دهد که با چیز دیگری قابل مقایسه نیست. رنج قرار گرفتن در مقابل کاری نو می‌کنند و در عین حال لذت خلق چیزی جدید از ویژگی‌های ترجمه‌اند. ترجمه، آفرینش است؛ آفرینش اثری جدید در زبانی جدید. اثری که بدون مترجم نمی‌توانست وجود داشته باشد. آفرینش، لذت بخش است و بخش زیادی از لذت مترجم به سبب همین آفرینش است. ترجمه در آغاز «دردناک» است، اما به تدریج که مترجم پیش می‌رود، رنج و لذت به طور متناوب می‌آیند و می‌روند. این رفت و آمد بستگی به نوع متن، توانایی‌های مترجم، احاطه او بر موضوع و غیره دارد. لذت ترجمه تا بدان جا می‌رسد که مانند غذا خوردن و نفس کشیدن می‌شود. مترجم ترجمه را نه مانند زندگی، بلکه خود زندگی می‌داند. بخش دیگری از لذت مترجم مربوط می‌گردد به یافتن خود در مقابل محصول نهایی که همان «ترجمه» باشد. مترجم همچنین با اندیشیدن به لذت خواننده، به هنگام ترجمه لذت می‌برد. نیروی هر ترجمه‌ای اراده غلبه بر دشواری‌ها و تصمیم‌گیری بی‌وقفه است.

## ۲-۶- رنج

ترجمه کنشی است دشوار، توأم با رنج و تنهایی، خسته کننده و برخی اوقات نومید کننده. در عین حال، برای برخی از انسان‌ها (شاید مترجمین حرفه‌ای به ویژه مترجمین ادبی) این امر به ضرورت بدل شده است. ترجمه کردن خطر کردن نیز هست؛ خود را در معرض قضاوت خوانندگان قرار دادن. خطر نقد و انتقاد آنها. رنج ترجمه با دشواری‌های آن ارتباط تنگاتنگی دارد. برخی اوقات برای ترجمه یک جمله، یک روز کامل را باید بدان اختصاص داد. شاید این را به حساب وسواس مترجم بگذارند، اما ماندن و رو در رو شدن با یک جمله یا حتی یک کلمه، به معنای آن است که دشواری‌های متن پراکنده‌اند و در جای جای آن قرار دارند. همان گونه که در بازی فوتبال لذت وجود دارد، رنج نیز وجود دارد. بازیکنان باید کیلومترها بدوند، ضربه بخورند، بر زمین بیفتند، زیر باران بمانند، فریادهای تماشاگران را تحمل کنند و ... شاید بتوان ترجمه را نیز شبیه آن دانست. لذت و رنج اجزاء جدایی ناپذیر آن هستند.

## ۷- نتیجه گیری

ترجمه از آنجا که کنشی است جهان شمول و جنبه‌های مختلفی دارد، پیش از پیدایش ترجمه شناسی (یا مطالعات ترجمه) از طریق علوم مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به طور اختصار ملاحظه کردیم که ترجمه و روانکاوی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هر سه نوع ترجمه که یاکوبسون برمی شمرد، در روانکاوی نیز وجود دارد. به نحوی می‌توان گفت که ترجمه شناسی نمی‌تواند از دستاوردهای روانکاوی بی‌نیاز باشد و روانکاوی نیز نمی‌تواند از ترجمه شناسی چشم‌پوشی کند؛ چرا که به طور بی‌وقفه با مفهوم ترجمه در ارتباط است. روانکاوی می‌تواند حالات مختلف مترجم را تحلیل کند (به ویژه در چارچوب آموزش ترجمه) و کمک کند تا مترجم به درک و آگاهی بیشتری از فرایندهای روانی خود به هنگام کنش ترجمه برسد. روانکاوان و ترجمه شناسان می‌توانند به بررسی مفاهیم مختلفی نظیر: خلاقیت، اعتماد به نفس و ... بپردازند. پرسش‌های فراوانی در ترجمه شناسی مطرح است که صرف پرداختن به جنبه‌های زبانی نمی‌تواند راهگشای آنها باشد؛ به عنوان مثال (فارغ از

جنبه‌های مهارتی مترجم)، چه عامل یا عواملی سبب می‌گردد که مترجمی پس از ترجمه حدود صد صفحه از یک کتاب آن را کنار بگذارد و از ادامه کار صرف نظر کند؟ در بن بست‌های ترجمه چگونه می‌توان ادامه داد؟ همان گونه که بسیاری از نویسندگان و فلاسفه حداقل تجربه ترجمه یک کتاب دارند، فروید نیز از این فائده مستثنا نیست و همین تجربه محدود او از ترجمه، باعث دخالت دادن این مفهوم به طور گسترده در روانکاوی شد. در مجموع می‌توان گفت همان گونه که روان‌شناسی زبان، زیرشاخه‌ای مهم از زبان‌شناسی شده است، «روانکاوی ترجمه» نیز ممکن است با ادامه پژوهش‌ها و پرداختن بیشتر ترجمه‌شناسان به این موضوع و همکاری تنگاتنگ آنان با روانکاوان، در آینده‌ای نه چندان دور به زیرشاخه‌ای از ترجمه‌شناسی بدل گردد.



## کتابنامه

- Breuer, J. & Freud, S. (١٩٨٥). *Etudes sur l'hystérie*. Paris: PUF.
- Cary, E. (١٩٨٤). *Comment faut-il traduire*. Lille: Presses Universitaires de Lille.
- Derrida, J. (١٩٩٨). Fidélité à plus d'un. *Cahiers Linguistiques*, ١٣, automne, ٢٤٢-٢٤١.
- Freud, S. (١٩٧١). *L'interprétation des rêves*. Paris: PUF.
- Freud, S. (١٩٨٤). Remarques sur la théorie et la pratique de l'interprétation du rêve. Paris: PUF.
- Freud, S. (١٩٨٨). *Le mot d'esprit et sa relation à l'inconscient*. Paris: Gallimard.
- Freud, S. (١٩٨٩). La psychanalyse et l'établissement des faits en matière judiciaire par une méthode de diagnostique. In *Essais de psychanalyse appliquée* (pp. ٢٩-٨٥). Paris: Gallimard.
- Freud, S. (١٩٩٢). *Cinq leçons de psychanalyse*. Paris: PUF.
- Freud, S. (١٩٩٤). *Le délire et les rêves dans le gradiva de z. Jensen*. Paris: Gallimard.
- Ladmiral, J.-R. (١٩٨٧). Traductologiques. *Retour à la traduction: (n° spécial de la revue) Le français dans le monde*, ١٨-٢٥.
- Ladmiral, J.-R. (١٩٨٨). Les enjeux métaphysiques de la traduction: à propos d'une critique de Walter Benjamin. *Le Cahier du Collège International de philosophie*, ٤, ٣٩-٤٤.
- Ladmiral, J.-R. (١٩٨٩). Technique et esthétique de la traduction. *Encrages*, ١٧, printemps, ١٩٠-١٩٧.
- Ladmiral, J.-R. (٢٠٠٢). *Traduire: théorèmes pour la traduction* (٣rd. ed.), Paris: Gallimard..



- Laplanche, J. (۱۹۹۲). Spécificité des problèmes terminologiques de la traduction de Freud. In *La révolution copernicienne inachevée*. Paris: Aulber .
- Mavrikakis, C. (۱۹۹۸). L'hystérique face aux symptômes de la traduction. *Meta*, ۱۱(۲), ۷۰-۸۸.
- Zendeboudi, M. (۲۰۰۸). *La traductologie françaises*. Mashhad: Mohaghegh.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی